

انتشار یک سند تاریخی

دکتر حسین علایی**

۳- ایشان باده‌ها گزارش نظامی، سیاسی که دریافت می‌کرده‌اند، به طور مرتب وضعیت دشمن را بررسی و ملاحظه کرده بودند که در آن شرایط، دشمن اصرار زیادی به ادامه و گسترش جنگ دارد و دام‌های خطرناکی با کمک استخبار جهانی برای جمهوری اسلامی ایران طراحی کرده‌است، برای همین، با بررسی و توجه به سلاح‌هایی که استخبار شرق و غرب در اختیار صدام گذارده بودند و نیز ناممکن بودن تهیه یک‌دهم آن سلاح‌ها با هیچ قیمتی از جهان برای جمهوری اسلامی ایران، نه تنها نمی‌توان به اهداف بالاتری در جنگ دسترسی پیدا کرد، بلکه ممکن است دستاوردهای فراهم شده تا آن زمان نیز، مخدوش و ضایع شود؛ بنابراین، ایشان نگران آن بودند که ادامه جنگ به ضرر انقلاب اسلامی و به نفع مطامع دشمن تمام شود، بنابراین، در شرایطی که دشمن هیچ تمایلی به برقراری آتش‌بس و پایان دادن به جنگ نداشت، امام در شرایط حضور نیروهای ایرانی در مرزهای بین‌المللی و در آخرین فرصت، تصمیم به پذیرش قطعنامه گرفتند.

۴- با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ایران، صدام حسین اعلام کرد که او قطعنامه را نخواهد پذیرفت و برای همین، به برقراری آتش‌بس تن نداد و حمله گسترده خود را برای اشغال دوباره سرزمین‌های ایران آغاز کرد و توانست یک بار دیگر، خرمشهر را تهدید به اشغال کند و با تصرف جاده آسفالت‌هواز - خرمشهر تا نزدیکی‌های شهر اهواز در خوزستان پیشروی کند و از سوی دیگر، با شکستن خطوط دفاعی در غرب کشور، منافقین را با خودروهای زرهی، عازم تهران کند، به گونه‌ای که آنان هم تا نزدیکی کرمانشاه جلو آمدند و در آن جا به کمین رزمندگان سلحشور اسلام افتادند و طرح صدام ناکام ماند؛ بنابراین، حضرت امام خمینی (ره) در آخرین فرصت باقی مانده که ارتش بعثی

انتشار نامه مورخ ۱۳۶۷/۴/۲۵ حضرت امام خمینی (ره) درباره دلایل پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ در آخرین روزهای هفته دفاع مقدس امسال، فضای مناسب‌تری برای درک بهتر اوضاع کشور و جبهه‌های جنگ در آن مقطع زمانی برای علاقه‌مندان به موضوع بررسی چگونگی پایان یافتن جنگ تحمیلی، فراهم می‌آورد. هرچند برای تحلیل محتوایی این نامه، بهتر است تا شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و بین‌المللی آن دوران که منجر به صدور متن این نامه شده است، بررسی شود و از طرفی، دیگر نامه‌ها و مکاتبات و بحث‌هایی که در این زمینه در آن روزها انجام شده نیز، مورد مطالعه قرار گیرد، در عین حال، بررسی همین نامه هم، مسائل زیادی را برای مردم و محققان تاریخ، روشن و شفاف می‌نماید.

با گذری سریع به محتوای نامه، برداشت‌هایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱- حضرت امام خمینی (ره) به نظریات مسئولان کشور، به ویژه مسئولان نظامی، اعم از ارتش و سپاه که آنان را "خبرگان جنگ" می‌نامند، توجه بسیاری داشته‌اند و تصمیمات خود را درباره جنگ، با توجه به نظریات کارشناسی مسئولان دلسوز نظامی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی گرفته‌اند.

۲- حضرت امام ادامه جنگ را برای رسیدن به پیروزی‌های مشخص، منطقی می‌دانسته‌اند و زمانی که احساس کردند "ارتش اسلام به این زودی‌ها هیچ پیروزی به دست نخواهند آورد" با آتش‌بس موافقت فرموده‌اند و قطعنامه ۵۹۸ را که ایران با قابل قبول دانستن کلیات آن، که در چند ماه گذشته تصویب شده بود، ولی به ترتیب بندهای آن ایراد داشت و معتقد بود که باید راجع به آن مذاکرات بیشتری صورت گیرد، پذیرفتند.

حضرت امام ادامه جنگ را برای رسیدن به پیروزی های مشخص، منطقی می دانسته اند و زمانی که احساس کردند ارتش اسلام به این زودی ها هیچ پیروزی به دست نخواهند آورد "با آتش بس موافقت فرموده اند و قطعنامه ۵۹۸ را که ایران با قابل قبول دانستن کلیات آن، که در چند ماه گذشته تصویب شده بود، ولی به ترتیب بندهای آن ایراد داشت و معتقد بود که باید راجع به آن مذاکرات بیشتری صورت گیرد، پذیرفتند.

عراق به مرزهای بین المللی رسیده بود، قطعنامه را پذیرفتند تا با ایجاد یک فشار سیاسی عظیم، از ادامه تهاجم بیشتر دشمن جلوگیری کنند.

۵- نبود وسایل خنثی کننده سلاح های شیمیایی و استفاده گسترده دشمن از این جنگ افزارها، نگرانی ایجاد تلفات زیادی را برای نیروهای رزمنده و مردم مظلوم شهرهای عراق و ایران، در ذهن حضرت امام (ره) ایجاد کرده بود، برای همین ایشان نمی خواستند در حالی که ادامه جنگ، "هدف شفاف" قابل دسترس و ابزارهای لازم برای رسیدن به آن را ندارد، موجب خسارت بیشتر برای مردم عزیز ایران شود.

۶- بعید به نظر رسیدن توانایی دولت و ستاد فرماندهی کل قوا در تهیه به موقع بودجه و امکاناتی که فرمانده سپاه درخواست کرده بود، با توجه به این که ایشان، یکی از معدود فرماندهانی بود که در صورت تهیه مایحتاج جنگ، معتقد به ادامه جنگ بوده است و نیز بررسی وضع مالی کشور که از قول وزرای اقتصاد و بودجه وقت، زیر صفر اعلام شده بود و نیز کم تر شدن شوق مردم برای رفتن به جبهه های نبرد، به دلیل آن که مردم فهمیده بودند پیروزی سریعی - با توجه به شرایط آن زمان - به دست نمی آید نیز یکی دیگر از دلایلی است که در این نامه به آن پرداخته شده است.

۷- حضرت امام خمینی (ره) با توجه به نکات نامبرده و با شهامت بی نظیر و مثال زدنی و فراموش ناشدنی، در زمان و در لحظه مورد نیاز، تصمیم ماندگار خود را با خرج آبروی خویش و برای به دست آوردن رضایت خداوند متعال و نیز صیانت از دین او و حفاظت از جمهوری اسلامی گرفتند و آتش بس را پذیرفتند و فرمودند: "خداوند! ما برای دین

تو قیام کردیم و برای دین تو جنگیدیم و برای حفظ دین تو آتش بس را قبول می کنیم".

حال با توجه به نکات یاد شده، مشخص می شود که در آن دوران، بحث های جدی جنگ با ارائه نظریات گوناگون به امام منتقل می شده است و واقعیت های جنگ به درستی و با شجاعت از سوی دولت مردان و نیز فرماندهان جنگ در اختیار حضرت امام و مسئولان سیاسی کشور قرار می گرفته است. ایشان نیز با بررسی آخرین وضعیت دشمن و توانایی ها و استراتژی و سیاست های وی و نیز تحلیل شرایط توان خودی در هر زمان، تصمیم مناسب را می گرفته اند. گاهی از لزوم شکست حصر آبادان سخن می گفته اند، گاه شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" را مطرح می کرده اند و در تیرماه سال ۱۳۶۷ نیز با توجه به اطلاعات ارائه شده به ایشان و شرایط جبهه های جنگ و اقدامات نظامی دشمن، امام در مورد پذیرش آتش بس به نتیجه رسیده اند.

هر چند پذیرش آتش بس برای امام تلخ بود و چنین تصمیمی برای ایشان چون زهر کشنده بوده است، ولی حضرت امام خمینی (ره)، شجاعانه ترین تصمیم دوران حیات خود را در یک فرصت مهم گرفتند، به گونه ای که اگر ارتش بعثی صدام، پس از پذیرش این تصمیم جمهوری اسلامی ایران و در ادامه تهاجم دوباره خود به خاک ایران در روزهای اوایل مرداد ماه ۱۳۶۷ موفق می شد بخشی از خاک ایران را در اشغال خود نگه دارد، قطعنامه ۵۹۸ پایه حقوقی مناسبی برای آغاز مذاکرات بین المللی برای رسیدن به صلح و دفع تجاوز دشمن بود. در مجموع، به نظر می رسد که نحوه پایان یافتن جنگ با پایان دادن به موج تهاجمات و حملات نظامی دشمن از سوی رزمندگان اسلام، برای حضرت امام شیرین شده است، زیرا امام، خود دیدند که در شرایط بسیار نابرابری که صدام، دوباره ارتش بعثی را به سوی سرزمین های ایران گسیل داشت و پس از پذیرش قطعنامه از سوی ایران، دشمن دوباره بخش هایی از خاک خوزستان را اشغال کرد و ارتش بعثی صدام تلاش می کرد تا مناطق تصرف شده را در اختیار خود نگه دارد، در این وضعیت، رزمندگان اسلام با فداکاری بسیار و با کمبودهای وسیع تسلیحاتی، توانستند یک بار دیگر، دشمن را در خاک ایران منهدم کرده و باقی مانده ارتش بعثی را از کشور بیرون و منافقین را فراری دهند و قوای دشمن را به پشت مرزهای بین المللی برانند و صلابت ارتش اسلام را برای چندمین بار به صدام و حامیانش نشان دهند. البته خود امام هم در این مقطع از جنگ، یک بار دیگر با شجاعت تمام و با خلق حماسه ای بی نظیر به صحنه آمدند و در واکنش به احتمال اشغال دوباره خرمشهر از سوی دشمن، به فرمانده وقت سپاه اعلام کردند: "یا خرمشهر یا سپاه" به این مفهوم که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی باید تمام استعداد، توان رزمی و همه موجودیت سازمان خود را برای نیفتادن خرمشهر به

از سوی دیگر، این نامه نشان می‌دهد که از دیدگاه حضرت امام، جنگیدن بدون تأمین مایحتاج جنگ، از جمله سلاح‌های مورد نیاز، شعاری بیش نیست. در عین حال که امام، رزمندگان را افرادی معرفی می‌کند که آمادگی استقبال از شهادت را دارند، ولی جنگیدن - به ویژه در خاک دشمن - را در شرایطی که امکان تأمین تجهیزات و تسلیحات مورد نیاز وجود داشته باشد، صلاح می‌دانند.

سرزمینی خود بیفزاید و به جای آن که تنها پول نفت را هزینه این ارتش پر خرج بی‌مصرف کند، از وجود این ارتش قوی، برای توسعه قدرت سیاسی رژیم بعثی استفاده نماید؛ برای همین، رئیس‌جمهور دیکتاتور عراق در سال ۱۳۶۹ به کشور کوچک همسایه خود، کویت حمله کرد و این امیرنشین را کاملاً به اشغال نظامیان خود درآورد و آن را استان نوزدهم عراق نامید و برای آن استاندار عراقی تعیین کرد. با این اقدام، صدام می‌خواست علاوه بر افزایش قدرت سیاسی، بر قدرت ژئوپولیتیکی عراق نیز بیفزاید و با ضمیمه کردن ذخایر نفتی کویت به خود، عراق را قدرتمندترین کشور نفتی جهان و در نتیجه، قدرت برتر در سازمان اوپک گرداند و بتواند قدرت اول در منطقه خاورمیانه شود.

صدام حسین احساس می‌کرد به دلیل خدمات فراوانی که به آمریکا و شوروی و اروپا و سران مرتجع کشورهای عربی کرده‌است، آن‌ها نسبت به این اقدام، واکنش جدی نشان نخواهند داد؛ ولی منافع آمریکا در خلیج فارس و اصرار ایالات متحده در کنترل جریان انرژی در جهان، موجب شد تا شیطان بزرگ، درک کند سگی را که برای حمله به ایران پرورش داده و حمایت کرده، به شدت هار شده‌است؛ برای همین باید هرچه سریع‌تر در مرحله نخست، آن را مهار و از کویت اخراج کرد و در مرحله بعدی، او را خلع سلاح و سرانجام او را از اریکه قدرت به زیر کشید و به جای آن که صدام در خاورمیانه به جنگ‌های نیابتی بپردازد، خود ارتش آمریکا با گسترش حضور نظامی خویش در خلیج فارس و کشور عراق از پدید آوردن قدرت‌های کنترل ناشدنی جلوگیری کند. بنابراین می‌توان گفت که منحنی افول صدام از زمان تصمیم حضرت امام خمینی (ره) به قبول آتش‌بس در یک مقطع زمانی بسیار تعیین‌کننده، آغاز و در نهایت به سقوط کامل صدام حسین و حزب بعث و انحلال ارتش بعثی او منجر شد.

”وَمَكْرُوا وَمَكْرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ“

دست دشمن به کار گیرد و همه قدرت فرماندهی خود را در این راه به عرصه ظهور رساند. و چه خوب رزمندگان پرنشاط اسلام، توانستند آخرین نبرد دشمن را نیز با ناکامی محض روبه‌ور کنند و آن چنان در قدرت خود اوج بگیرند که رئیس‌جمهور وقت، پس از حضور در جبهه‌های جنوب به حضرت امام اعلام کردند که جبهه‌ها پر از نیروی داوطلب مردمی است و بسیجیان و قوای مسلح آماده نبرد در خاک دشمن هستند و حضرت امام هم در پاسخ ایشان، فرمودند که: ”مادر صلح جدی هستیم.“

از سوی دیگر، این نامه نشان می‌دهد که از دیدگاه حضرت امام، جنگیدن بدون تأمین مایحتاج جنگ، از جمله سلاح‌های مورد نیاز، شعاری بیش نیست. در عین حال که امام، رزمندگان را افرادی معرفی می‌کند که آمادگی استقبال از شهادت را دارند، ولی جنگیدن - به ویژه در خاک دشمن - را در شرایطی که امکان تأمین تجهیزات و تسلیحات مورد نیاز وجود داشته باشد، صلاح می‌دانند. پس می‌توان گفت که حضرت امام خمینی (ره)، شخصیتی آرمان‌گرای واقع‌نگر بوده و تصمیمات خود را با توجه به شرایط و واقعیت‌های موجود و برای سربلندی جمهوری اسلامی می‌گرفتند. حاصل تصمیم آن روز حضرت امام خمینی، هم اکنون برای همه مردم سربلند کشور ایران مشخص و روشن است. اقدام خالصانه و خدایی امام در آن مقطع سرنوشت‌ساز، منجر به سقوط صدام و از بین رفتن ارتش بعثی عراق گردیده و جمهوری اسلامی ایران، تبدیل به یک قدرت مهم منطقه‌ای در خاورمیانه شد.

این که چگونه تصمیم حضرت امام خمینی (ره) در پذیرش آتش‌بس، موجب سرنوشتی صدام حسین و متلاشی شدن ارتش بعثی عراق شد، نیاز به توضیح و شرح مفصل دارد، ولی آنچه به طور اختصار می‌توان بیان داشت، این است که: جنگیدن ارتش اسلام با قوای تجهیز شده ارتش بعثی که در مقطع پایان جنگ با استعدادده برابر توان نظامی آن وقت ایران، قصد داشتند موج جدیدی از حملات وسیع نظامی را علیه ایران آغاز و با اعزام سازمان مسلح منافقین از داخل خاک عراق به سوی تهران، حکومت جمهوری اسلامی را سرنگون کنند، موجب شد تا این ارتش بزرگ و حجیم و پر تجهیزات، بدون داشتن مأموریت مشخصی، در دست‌های صدام به صورت یک معضل باقی بماند. آمریکا و پشتیبانان صدام هم، تجهیز این ارتش بزرگ را تنها برای جنگ با امام خمینی (ره) و جمهوری اسلامی می‌خواستند و نه برای این که قدرت نظامی عظیمی را در عراق به وجود آورند که زمانی برای خود آنها دردسر ساز شود؛ برای همین، صدام با روحیه جنگ‌طلبی که داشت و نیز احساس حقارتی که نسبت به ناکامی در حمله به جمهوری اسلامی ایران در وجود خود داشت و همچنین با احساس برتری که نسبت به همسایگان عرب خود می‌کرد، تلاش کرد با استفاده از قدرت نظامی موجود سازمان یافته، بر قلمرو

مقدمه آقای هاشمی رفسنجانی بر دوازده نامه مبادله شده میان ایران و عراق

اهواز دزفول را سد کنند و با رابطه استان خوزستان را با مرکز قطع کنند. آنها حتی نتوانستند در ابتدای حمله، خرمشهر را اشغال کنند، چیزی که از اهداف اولیه‌شان بود. در منطقه غرب نیز وضع چنین بود.

عامل این وضعیت نیز روشن است: اول مقاومت مردم. همگان به یاد دارند که مردم در خرمشهر ۲۴ روز ارتش عظیم عراق را در پشت دروازه‌های شهر نگه داشتند و این کاری بزرگ بود؛ در حالی که در تهاجم عراق به کویت، تانک‌های عراقی طی حدود دو ساعت از رميله تا کاخ امیر کویت رفتند.

پس از تصرف خرمشهر در دروازه آبادان، بعضی‌ها زمین گیر شدند و نتوانستند این گروه را بکشایند.

آن روزها ارتش جمهوری اسلامی ایران آمادگی رزمی نداشت. ارتش تصفیه شده بود و امر او کارشناسان خارجی رفته بودند. در آن زمان انسجامی در ارتش وجود نداشت و انتظار نمی‌رفت که بتواند کار مهمی انجام دهد، و بعث عراق با توجه به همین نکته زمان تجاوز را انتخاب کرده بود. همان مقدار مقاومت در مرزها برای ایجاد تأخیر در حرکت دشمن مؤثر افتاد. سپس نیروی هوایی ارتش در آن مقطع زمانی بسیار خوب عمل کرد و به راحتی ضربه نخست را این نیرو وارد ساخت و گاهی برای جلوگیری از پیشروی دشمن، نقش نیروی زمینی را بر عهده می‌گرفت. نیروی هوایی با روزانه بیش از ۱۵۰ پرواز به داخل عراق، ضربه‌های کاری اقتصادی، فنی، تدارکاتی و روانی در پشت جبهه وارد ساخت و انهدامی وسیع را ایجاد کرد. صنعت نفت عراق از کار افتاد و در جبهه‌ها از پیشروی نیروهای عراقی جلوگیری شد.

نیروهای داوطلب مردمی کمک مؤثری نمودند و سپس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به میدان آمد. آن زمان سپاه پاسداران بیشتر به صورت نیروی انتظامی و امنیتی در داخل کشور عمل می‌کرد. با حضور نیروهای بسیج و مردم، در این مقطع زمانی و با متوقف ساختن حرکت دشمن و تشبیت جبهه‌ها و خطوط دفاعی، نیروهای ایران در پشت جبهه خود را برای تهاجم بعدی آماده می‌ساختند.

پس از پشت سر گذاشتن این مرحله از جنگ، تهاجم نیروهای اسلام آغاز شد. حضرت امام (ره) با صدور فرمان شکستن حصر آبادان، کار را وسعت دادند و عملیات دارخوین، ثامن الائمه، فتح‌المبین، بستان و بیت‌المقدس به دنبال هم و بدون این که مهلتی برای تجدید قوا به دشمن داده شود، عراق را وادار به فرار از بخش‌های مهمی از نقاط اشغال شده ایران کرد و فتح خرمشهر، اوج پیروزی‌های جمهوری اسلامی ایران بود.

عراق به پشت خطوط استحکامات خود پناه برد و با ایجاد دریاچه‌های وسیع و میدان‌های مین و سیم‌خاردار چند درجه‌ای، در موضع تدافعی قرار

افتاب: در پی اعلام انتشار متن دوازده نامه مبادله شده بین روسای جمهور وقت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق توسط افتاب و پیش از انتشار متن نامه‌ها، مقدمه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که دارای نکات ارزنده‌ای درباره شرایط حاکم بر کشور در سال‌های پایانی جنگ و به درک بهتر مفاد نامه‌ها کمک می‌کند در اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

از هنگام پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، کشور ما مسایلی را پشت سر گذاشته و با واقعیت‌هایی مواجه شده که به سرعت آنها را مرور می‌کنیم. پس از پیروزی انقلاب، دشمنان مادر جهان که با اسلام و انقلاب مخالف بوده و هستند و آنها را به زیان خود می‌دانند، شروع به برنامه‌ریزی برای درهم شکستن انقلاب و تضعیف آن کردند. در یک مقطع زمانی، همه تلاش‌های آنها برای تغییر محتوای انقلاب کودتا، برپایی شورش، تحریکات و فتنه‌های گوناگون شکست خورد. در همین مدت، آنها برای یک تهاجم نظامی رسمب نیز آماده می‌شدند. آنها احتمال می‌دادند که توطئه‌های گوناگون یش گفته کارگر نیفتد و به همین جهت به تدارک تهاجم نظامی پرداختند. اسنادی در دست است که دشمنان ما در آن از کاری سخن گفته‌اند که به رغم ایشان، ایران قادر به مقاومت در برابر آن نیست، و این همان حمله نظامی عراق به ایران بود و گویا سناریوی آن به عنوان پیش آمدهای احتمالی قبل از انقلاب تنظیم شده بود.

ما می‌دانیم که حمله عراق به ایران چگونه آغاز شد. بعضی‌ها با طرح بهانه‌هایی، به تمهید مقدمات حمله پرداختند. دو سه ماه نیز درگیری‌های مرزی مختلفی را برپا کردند تا با مبهم ساختن قضیه، ایران را مقرر به شروع جنگ معرفی کنند. خوشبختانه در این مرحله نیز توفیقی به دست نیامد و سرانجام، در زمانی خاص، تهاجم نظامی را آغاز کردند که تقریباً مورد حمایت همه شیاطین دنیا واقع شد.

در این تهاجم دست‌استکبار غرب و شرق، ارتجاع منطقه و صهیونیسم در کار بود، ولی در نوک حمله، حکومت حزب بعث عراق قرار داشت. مجامع بین‌المللی نیز با سکوت خود با این تهاجم برخورد ناشایستی کردند؛ اقدامات این مجامع در مقابل عراق به کویت، آن زمان نیز قابل اجرا بود؛ مانند تشکیل جلسه شورای امنیت؛ صدور قطع‌نامه‌ای در محکومیت متجاوز و درخواست عقب‌نشینی بیقید و شرط او و محاصره و تحریم اقتصادی و ... ولی هیچ یک از این اقدامات صورت نگرفت و حتی در مباحثات مختلف، پیوسته علیه جمهوری اسلامی ایران به بدگویی نیز پرداختند.

بعضی‌ها در اولین ضربه نظامی قدم‌های مهمی برداشتند، ولی به اهداف خود نرسیدند. آنها نه موفق به اشغال آبادان و اهواز شدند و نه نتوانستند راه

گرفت و نیروهای ایران حالت تهاجمی خود را حفظ کردند، چرا که عراق‌ها هنوز در بخش وسیعی از خاک ایران حضور داشتند. سپس سلسله عملیات والفجرها، کربلاها، فتح‌ها و نصرها صورت گرفت و معمولاً در طول این چند سال رزمندگان اسلام پیروز بودند.

در این دوره نفاق و خیابت دشمنان بیشتر ظاهر شد. صهیونیست‌ها، آمریکایی‌ها، انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها، روس‌ها و ارتجاع عرب دم از صلح می‌زدند و در همان حال به عراق کمک می‌کردند. در مراحل که نیروهای ایران، عراقی‌ها را در پشت استحکاماتشان تحت فشار قرار داده بودند، آنها همه نوع مساعدت به عراق کردند و هر ذلتی که میسر بود علیه ایران به کار می‌بردند، که نیازی به تکرار و یادآوری آن نیست.

با پشم‌پوشی مراکز بین‌المللی، بسیاری از مقررات بین‌المللی نقض شد و جنایات جنگی هولناکی توسط دشمنان اسلام، به وقوع پیوست که زدن هواپیماهای مسافربری و نقاط مسکونی و استفاده وسیع از اسلحه شیمیایی نمونه‌هایی از آنهاست.

پس از فتح عظیم نیروهای اسلام در حلبچه و حضور مادر اعماق خاک دشمن در شمال عراق، سه عامل جدید وارد صحنه می‌شود.

۱ قتل عام مردم عراق؛

۲ سیاست "زمین سوخته"؛

۳ حضور نیروهای بیگانه در خلیج فارس و دریای عمان.

معلوم شد که بعضی‌ها بنا دارند ولو با انهدام ملت خود و قتل عام مردم عراق، ایران را به رحم آورند تا کمتر وارد خاک عراق شود. جنایت‌بعضی‌ها در حلبچه نمونه روشن آن است. چون می‌دانستند ایران اسلامی ادامه نبرد را به خاطر نجات مردم عراق می‌خواهد، با این ترفند راه ما را به سوی هدف می‌بستند.

دیدید که عراقی‌ها با حلبچه چه کردند. آنها در کردستان با سلاح‌های شیمیایی قتل عام‌ها کردند.

نیروهای اسلام در آن هنگام در منطقه حضور داشتند و در عملیات نفوذی خود تا موصل پیش رفته بودند و شاهد این قساوت‌ها بودند. "سرزمین سوخته" به صورت مانعی در برابر نیروهای ایران قرار گرفت. ادامه جنگ علاوه بر احقاق حقوق ایران و تنبیه متجاوز به خاطر نجات مردم عراق بود و ایران خواستار بروز چنین فجایعی برای آنها نبود. این وضع آشکار ساخت که چنانچه نیروهای ایران تا بغداد نیز پیش بروند، همین وضع بر پا خواهد شد و مردمی نمی‌ماند که بتوان نجاتشان داد. به موازات سیاست مذکور، لشکرکشی نیروهای استکباری به خلیج فارس و دریای عمان صورت گرفت و این نیروها به طور رسمی با ایران وارد جنگ شدند و سکوه‌های نفتی ما را منفجر کردند. هدف اصلی ما همواره صلح پایدار بوده است و در این مرحله، برای تحقق صلح، راه قطع نامه ۵۹۸ انتخاب شد.

خوشبختانه در همان روزها روشن شد که این انتخاب، از سر ضعف نبود؛ زیرا به محض سرپیچی عراق از برقراری آتش‌بس و پیشروی در خاک ایران، با صدور فرمان بسیج، گروه‌های عظیم مردم روانه جبهه‌ها شدند. هجوم نیروهای مردمی برای شرکت در جبهه‌ها چنان بود که ما در یک ماه آخر جنگ، شاهد بیشترین حضور نیرو و امکانات در طول سال‌های دفاع خود بودیم. لیکن به دلیل تصمیم صحیح امام (ره) و برنامه‌ریزی به عمل آمده برای ادامه نیافتن جنگ، به نیروها بعد از رفع تجاوز جدید دشمن اجازه حمله به داخل خاک عراق داده نشد.

سپس مرحله مذاکرات برای اجرای قطع نامه ۵۹۸ آغاز شد. همگان می‌دانند مادر هنگامی که در اوج پیشروی در خاک عراق بودیم، این قطع نامه را رد نکردیم، زیرا در واقع آن را قبول داشتیم و پس از گنجاندن بخشی از خواسته‌های نظام در آن به موقع خود پذیرش آن را اعلام کردیم. پیش نویس قطع نامه در هنگام پیشروی ما و انهدام بعضی‌ها تنظیم شده بود.

وقت زیادی از دو کشور در این مرحله تلف شد و حقایق روشن گردید. برای خیلی‌ها واضح گردید که بعث عراق، صلح واقعی نمی‌خواهد و آماده اجرای قطع نامه ۵۹۸ نیست و شعارهای صلح خواهی سال‌های جنگ، معلول وضع جبهه‌ها و از سر ضعف و ناچاری بوده است.

همچنین روشن شد که مستکبران حامی عراق و ارتجاع عرب نیز وضعی مشابه عراق داشته و دارند و متأسفانه معلوم شد که سازمان ملل و شورای امنیت نیز تمایلی به اجرای قطع نامه در شرایط خاص آتش‌بس ندارند.

در این مرحله، ایران مظلوم، مانند دوران جنگ، تنها و غریب در صحنه مذاکرات برای احقاق حق به تلاش پرداخت و با هوشیاری و مقاومت امید گرفتن امتاز را از دشمن سلب کرد و به استعمارگران، اجازه سوء استفاده از وضع نه جنگ و نه صلح را نداد.

در کنار این وضع نامطلوب و افشاگر، تضادهای داخلی جبهه دشمنان انقلاب اسلامی و مشکلات اقتصادی عراق و توقعات غیرقابل تحمل عراق از چشمتیبانان ثروتمند خود در دوران جنگ، وضع و شرایط جدیدی را پیش آورد که امروز شاهد آثار آن هستیم.

بی‌شک وعده‌های نصرت الهی برای انسان‌های صبور و مقام و جهادگر که برای انجام وظیفه الهی انسانی خود از همه چیز گذشته و رضایت خدای را نصب‌العین قرار داده‌اند، از عوامل اصلی این وضع و شرایط جدید است که بهره‌گیری از آن نیز صحنه‌ای دیگر از امتحان الهی است.

علایمی از تغییر سیاست طرف مادر دریافت می‌شود و اطلاعات و قرائن و محاسبات راه درست حرکت را به ما نشان می‌داد. در تاریخ ۵ اردیبهشت سال ۱۳۶۹ مطالعه شدیم که نامه سرپیسته‌ای از رئیس جمهوری عراق و آقای یاسر عرفات برای مقام معظم رهبری و رئیس جمهوری کشورمان رسیده

است. حامل نامه فردی از سازمان آزادی بخش فلسطین بود و ابتدا با ناباوری با این ادعا برخورد شد، چون وضع ما و عراق در شرایطی نبود که با عرف دیپلماتیک ارسال پیک و نامه قبول توجیه باشد.

بررسی های ابتدایی از لحاظ مضامین نامه و مهر و آرم و با توجه به شناخته شده بودن حامل نامه و همراهی با نامه عرفات، اطمینان نسبی ما در خصوص صحت ادعا جلب کرد.

برای بررسی مضامین نامه و تهیه جواب و برخورد مناسب با موضوع در تاریخ ۱۸ دی بهشت سال ۱۳۶۹ جلسه ای در محضر مقام معظم رهبری با حضور اعضای شورای عالی امنیت ملی و مشاوران سیاسی رهبری و من تشکیل شد.

گرچه در گذشته آقای صدام حسین چند بار به ارسال پیام از طریق نمایندگی های عراق در آلمان و سوئیس و جاهای دیگر کرده بود و پیشنهاد مذاکره حضوری و رو در روی رؤسای کشور را داده بود و تا مرحله مذاکره مقدماتی در سطح رؤسای نمایندگی ها بدین منظور پیش رفته بودیم و ابتکار آن بی سابقه نبود، ولی ویژگی های مضامین نامه کافی نبود که مطلب را جدی بگیریم که گرفتیم. با مشورت و دقت همه جانبه، جواب تهیه شد و از طریق نمایندگی مان در ژنوبه نمایندگی عراق در آنجا تحویل گردید و سپس تبادل نامه ها به همین صورتی که در متن کتاب می بینید، ادامه یافت و چیزی که توجه ما را به خود معطوف داشت، عجله ای بود که در طرف عراقی به چشم می خورد که برای ما توجیه معقولی داشت.

گرچه در تحلیل ها و بررسی های مربوط به انگیزه طرف مقابل در ارائه این ابتکار و عجله غیر معمول در ادامه کار، ضمن احتمالات فراوان دیگر، احتمال مشکل داشتن با همسایه های عرب خود به خصوص کشورهای نفت خیز خلیج فارس مطرح بود، ولی احتمالات دیگر از قبیل مشکل داشتن با کشورهای صنعتی طلبکار عراق و به خصوص آمریکا و فرانسه یا مشکلات اقتصادی و اجتماعی داخلی ناشی از دوران طولانی جنگ بی ثمری که خود راه انداخته بود و طولانی شدن دوره اسارت ده ها هزار اسیر عراقی که عمدتاً در سال های اول جنگ اسیر شده بودند و مخارج گزاف نگهداری این همه نیرو به خاطر دوران نه جنگ و نه صلح و ... به عنوان عوامل این حرکت توجه ما را جلب می کرد و کمترین اهمیت را به احتمال پیش آمدن جنگ با حامیان دیروز و آن روز عراق می دادیم.

کناسب است که در این مقدمه کوتاه نکات زیر مورد توجه قرار گیرد:

۱ اکنون اسناد غیر قابل انکاری در اختیار تاریخ است که نشان می دهد این جنگ با خواست استکبار و ارتجاع و صهیونیسم، برای شکست و یا حداقل تضعیف انقلاب اسلامی ایران آغاز شد و بعث عراق حداقل امید اشغال خوزستان و تجزیه ایران و رسیدن به موقعیت سیادت و ژاندارمری در خلیج فارس داده شده بود.

۲ برای این هدف پلید همه ابزارهای ممکن استفاده شد: کمک های مالی، تسلیحاتی، اطلاعاتی، تبلیغاتی و سیاسی بی دریغ و سخاوتمند و چشم پوشی از هر گونه جنایات جنگی و تخلف موازین بین المللی و سرانجام دخالت علنی و رسمی ابرقدرت امریکا در کنار عراق و علیه ایران در جنگ. ۳ ایران اسلامی به تنهایی در مقابل جبهه کفر جهانی و شیاطین کوچک و بزرگ زمان دفاع می کرد و به جز از خداوند منان از جایی کمک نمی کرد و جالب توجه اینکه به جز چند هفته اوایل و اواخر جنگ در تمام دوران هشت سال دفاع، نیروهای ایران و اسلام در وضع تهاجمی و ارتش بعث عراق تحت فشار و رو به انزهام بود. وضع هفته های استثنایی هم عوامل خاص خود را که مورد اشاره قرار گرفت و این پیروزی عظیم و کم سابقه می تواند سرمشتقی برای سایر ملت ها و به خصوص ملت های اسلامی در ترسیم راه زندگی خود باشد؛ به شرط آنکه در ثبت تاریخ حقیقت خیانت نشود و واقعیت ها در اختیار جویندگان حق قرار گیرد.

۴ حقایقی که با تهاجم سنگین تبلیغاتی استکبار جهانی پوشیده مانده بود و بخشی از افکار عمومی را به انحراف کشانده و خطر تحریف تاریخ هم وجود داشت، بالاخره کشف شده و امروز مردم دنیا با بسیاری از واقعیت ها که از آنها مخفی نگه داشته شده بود، رفته رفته آشنا می شوند و حقانیت و مظلومیت اسلام و قرآن و انقلاب اسلامی ایران آشکار می گردد.

در کنگره امریکا رئیس جمهور را به محاکمه کشیدند که چرا آن همه از صدام حسین در طول جنگ با ایران حمایت کرده است و همسایگان جنوبی ما از کمک های فراوان مالی و ... خود به عراق پشتیبانند و مرتباً پرونده شرکت ها و مراکز دیگر امپریالیستی بر ملا می شود که برخلاف موازین بین المللی، با هدف تضعیف انقلاب اسلامی ایران به بعث عراق کمک های نامشروع کرده اند:

از قبیل امکانات اسلحه شیمیایی و ... این حقایقی که امروز در جهان مطرح است، در تاریخ ثبت خواهد شد و دوستان حق، روزی آنها را گردآوری خواهند کرد و در کتابخانه ها و مراکز تحقیقاتی دنیا به عنوان مراجع اصیل مطالعه خواهد شد تا جهانیان بدانند که این ملت مظلوم از دست ستمگران تاریخ چه کشید و چه شهامتی از خود نشان داد.

۵ مردم ایران به صحیح بودن راهشان مطمئن تر شدند و این هم به لحاظ ملی بسیار مهم است. چنانچه مردم ما پس از ده سال مجاهده به این نتیجه می رسیدند که اشتباه کرده اند، ضربه مهلکی بر شخصیت تاریخی و پشتوانه فرهنگی ملت و انقلاب وارد می آمد. حال مت ما با نگرستن به گذشته در می یابد که تمامی حرکت ها و سیاست ها هدفدار و با برنامه بوده است. دفاع، مقابله به مثل، پذیرش قطعنامه ۵۹۸، مقاومت در مذاکرات، مکاتبات و همه حرکاتی که انجام داده ایم از روی حساب و تدبیر بوده است. این ملت به خود اعتماد دارد و تلاش دشمنان برای مشوب کردن اذهان

ملت ما بی‌اثر است. ملت ما با نگرستن به مجموعه مسیر طی شده، در می‌یابد که حرکت صحیح بوده است و امام امت در مواقع مناسب تصمیمات به جا و راه‌های مناسب را پیش پای ملت گذاشت و حال مردم، نقطه ضعیفی در حرکت گذشته خود نمی‌بینند.

۶ کیفیت جنگیدن ما نیز خود پیروزی بزرگ دیگری است. به هنگام ختک جنگ امکانات نظامی ما و آن نیرویی که با آن می‌جنگیدیم برای ما باقی مانده، چرا که متعلق به دیگران و یا وابسته به دیگران نبوده است. ارتش جمهوری اسلامی ایران امکانات خود را به خوبی حفظ کرد، سپاه پاسداران با ابتکار جنگید و بسیج آن نیروی عظیم بی‌انتهای آن دریای بیکران انسان‌ها که در مواقع لزوم به جبهه می‌رفت و آن هنگام که نیازی نبود، در کارخانه و دانشگاه و مدرسه و ... کار می‌کرد همچنان باقی ماند. تجربه دفاع مقدس، برای ما تجربه‌ای موفق که سراسر جهان بی‌نظیر است. با این تجربه عظیم و نیروهای مقاوم و مجاهد، دیگر تا مدت‌ها کسی فکر تجاوز به این سرزمین را در سر نمی‌پروراند.

۷ بخشی از عوامل موفقیت‌ها را نام می‌بریم: نخست مدیریت کم‌سابقه و معجزه‌گونه حضرت امام است که ما بسیاری چیزها را در این انقلاب از ایشان داریم. و امروز مدیریت بسیار خردمندانه و کم‌نظیر رهبر معظم ماست که به بهترین نحو هدایت امور کشور را در دست دارند. فداکاری و ایثارگری‌ها و شهادت‌طلبی‌های نیروهای رزمنده ایران که دوره بسیار سخت دفاع را تحمل کرد.

حمایت‌های بی‌دریغ ملت که در هیچ زمان رهبری کشور و رزمندگان احساس تنهایی نکردند و مسئولان نظام همواره خود را در کنف حمایت رهبر و ملت می‌دیدند.

صبر و تحمل خانواده‌های شهید، اسرا و مفقودان و استقامت جانبازان که بخشی عظیم از فرهنگ جهاد ماست.

تحمل آزادگان ما که در اردوگاه‌های دشمن و در شرایط سخت و طاقت‌فرسا با استقامت و صبر خود دشمن را عاجز کردند و افتخار بزرگی را در صفحات تاریخ ایران ثبت نمودند.

۸ با تکیه بر تجارب هشت سال دفاع مقدس، امروز ایران اسلامی از توان دفاعی قابل توجه و خودکفایی برخوردار است که می‌تواند محوری قابل اعتماد برای صلح و ثبات منطقه باشد و شیاطین کوچک و بزرگ دیگر فکر تجاوز به ایران را در مخیله خود خطور نخواهد داد.

۹ امروز ملت ما با تمام وجود خود احساس پیروزی و ثبات و آرامش می‌کند، در حالی که دشمنان ما و شریکان آتش افروز و دیوهای قدرتمند پشت صحنه، همگی احساس ناراحتی و ناامنی می‌کنند. البته ما از این وضع راضی نیستیم و نمی‌خواهیم هیچ کشوری مورد تجاوز قرار گیرد و کسی احساس ناامنی کند. خواست ما، امنیت و آرامش برای جامعه جهانی است. ولی اعمال سوء و گناهان، سرانجام دامن مجرمان را خواهد گرفت. حساب خداوند هم در دنیا و هم در آخرت دقیق است و مثقال و ذره‌ای از اعمال هیچ‌کس در پیشگاه عدل الهی نادیده گرفته نخواهد شد. کسانی که به ما ظلم کردند، گرفتار نتایج ظلم خویش شدند. سرنوشت صدام حسین آینه عبرت ظالمان و متجاوزان خواهد بود.

۱۰ ما در این مقطع زمانی باز هم نقش اسلامی خود را ایفا می‌کنیم، بدون اینکه تحت تأثیر ظلم‌هایی که به ما کردند و کینه‌هایی که به ما ورزیدند قرار گرفته باشیم. ما به دنبال انتقال جویی و دشمن‌کشی و حتی سرزنش نیز نیستیم. ما پیش از همه تجاوز عراق به کویت را محکوم کردیم؛ کویتی که در طول جنگ میلیاردها دلار کمک مالی به دشمن ما داد.

۱۱ جمهوری اسلامی هم اکنون چیزی جز بیرون رفتن نیروهای بیگانه از منطقه را نمی‌پذیرد. از حضور وسیع نیروهای نظامی قدرت‌های شرووری که نمی‌توان به آنها اعتماد کرد، نگران است؛ این نیروهایی که با اهداف توسعه‌طلبانه وارد منطقه شده‌اند و در کنار خانه خدا لانه کرده‌اند و از سخنان آنها می‌توان چنین دریافت که اهدافی دراز مدت دارند. امریکایی‌ها و همراهانشان باید به کشورهای خود بازگردند و منطقه را به اهالی آن واگذارند. جمهوری اسلامی نیز آماده است به کشورهای همسایه یاری رساند تا همه با هم در صلح و صفا زندگی کنیم.

اکبر هاشمی رفسنجانی

(استعداد نیروی انسانی در تجهیزات ارتش عراق در مقاطع مختلف زمانی)*

دوره	سال	زمینی	هوایی و پدافند	دریا	تعداد سپاه	تعداد لشکر				تیپ مستقل	تعداد تانک	تعداد نفربر	تعداد توپ	تعداد هواپیما	تعداد بالگرد	ملاحظات
						جمع	پیاده	زرهی	مکانیزه							
اول	۱۳۵۴۱۹۷۵	۱۳۵/۰۰۰	۱۲/۰۰	۳/۰۰۰	-	۷	۳	۴	-	۲	۱۲۰۰	۱۳۰۰	-	۲۴۷	۱۰۱	
دوم	۱۳۵۹۱۹۷۹	۲۲۷/۰۰۰	۲۸/۰۰۰	۴/۰۰۰	۳	۱۲	۵	۵	۲	۱۵	۲۱۰۰	۲۳۰۰	۶۰۰	۳۶۶	۴۰۰	
سوم	۱۳۶۸۱۹۸۹	۸۴۰/۰۰۰	۷۵۰/۰۰۰	۱۵/۰۰۰	۸	۵۸	۴۶	۸	۴	۱۲	۴۰۰۰	۴۵۰۰	۲۱۰۰	۷۰۰	۶۰۰	
چهارم	۷۰ ۱۳۶۹ ۹۱۱۹۹۱	۹۴۰/۰۰۰	۷۵۰/۰۰۰	۱۵/۰۰۰	۹	۶۵	۵۲	۹	۴	۱۳	۴۲۰۰	۴۷۰۰	۲۱۰۰	۷۰۰	۶۰۰	
پنجم	۱۳۸۲۲۰۰۳	۴۹۰/۰۰۰	۵۲/۰۰۰	۳۵۰۰	۷	۲۴	۱۴	۶	۴	۱۲	۲۲۰۰	۳۳۰۰	۲۰۰۰	۳۵۰	۴۵۰	
ششم	۱۳۶۸۲۰۰۷	۱۵۴/۵۰۰	۹۰۰	۱۱۰۰	-	۱۰	۱۰	۱۰	-	۱	۴	۷۳	-	۷	۱۶	

* این جدول از سوی سردار سرلشکر غلامعلی رشید تهیه و تأیید برای چاپ در اختیار فصلنامه قرار داده شده است.